

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان - 11 اردیبهشت / 1398

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، جمع بسیار محترم و معزز. تبریک عرض میکنم روز معلم را یا هفته‌ی معلم را به همه‌ی شما عزیزانی که [حاضر] هستید -مسئولین محترم آموزش و پرورش، معلمان عزیز، کارکنان عزیز، وزیر محترم- و به همه‌ی معلمان سراسر کشور.

این جلسه از جهات مختلفی اهمیت دارد از نظر این حقیر: یکی اینکه درباره‌ی مهم‌ترین موضوع تمدنی ما یعنی تعلیم و تربیت است؛ یکی اینکه اساساً روز معلم به نام شهید و به نام شهادت است؛ و جهات مختلف گوناگونی که در ضمن صحبت عرض خواهم کرد. شهید عزیز ما، مرحوم آقای مطهری (رضوان الله تعالی علیه) به معنای واقعی کلمه یک معلم دلسوز بود، خوب فکر میکرد، خوب بیان میکرد، خوب دنبال میکرد؛ صرف اینکه حرفی بزنیم و تکلیفی اداء کنیم نبود. ما از نزدیک میدیدیم که چگونه دلسوزانه، رسوخ اندیشه‌های عمیق اسلامی خود را در ذهن جوانهای آن دوره -با همه‌ی محدودیتهایی که وجود داشت- دنبال میکرد و در این راه شهید شد؛ این مهم است؛ این شهادت، امضای قطعی حق متعال پای کارنامه‌ی این شهید عزیز است.

خب، قشر معلم واقعاً یک قشر شریف و محترمی است؛ علت هم این است که برای یک کشور، برای یک تمدن، برای یک ملت، مهم‌تر از همه‌ی سرمایه‌ها، سرمایه‌ی انسانی است؛ یعنی اگر شما پول داشته باشید اما سرمایه‌ی انسانی درست و حسابی نداشته باشید، به جایی نمیرسید؛ مثل همین کشورهای پول‌داری که می‌بینید پولهایشان کجاها خرج میشود، دست چه کسانی میرود؛ جیبهای گشاد پُریولشان به صورت بسیار سفاهت‌آمیز در اختیار دستهای خائن به بشریت قرار میگیرد؛ خب این در نتیجه‌ی چیست؟ [چون] پول دارند، انسان ندارند؛ پول دارند، اندیشه‌ورز ندارند، نیروی انسانی ندارند، سرمایه‌ی انسانی‌شان ضعیف است. اگر منابع زیرزمینی فراوانی داشته باشیم، [اما] نیروی انسانی نداشته باشیم، فایده‌ای ندارد. کشور ما روی دریای نفت خوابیده بود؛ [ولی] نه خبر داشتیم، نه بلد بودیم؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که آنهایی که خبر داشتند و بلد بودند، آمدند مسلط شدند به نفت ما. نفت ما را میبردند، تمدن خودشان را میساختند، کارخانه‌های خودشان را راه می‌انداختند و در دوران جنگی که بود، از این نفت برای پیروزی خودشان استفاده میکردند و یک چیز مختصری هم به ما میدادند؛ زمان طاغوت این جور بود؛ [این] نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری نکردن بر روی منابع انسانی است. خب، این منابع انسانی را شما الان دارید تولید میکنید؛ ببینید اهمیت کار کجا است! شما دارید پرورشش میدهید، شما دارید [آن را] پردازش میکنید. بنده اهل تعارف نیستم؛ آنچه بنده سالهای متمادی درباره‌ی نقش معلم و دانشجو یا معلم و آموزش و پرورش اظهار کرده‌ام، برخاسته‌ی از این احساس است؛ برخاسته‌ی از این باور است که معلم یک چنین نقشی دارد. در واقع، پایه‌ریز تمدن نوین، شما هستید؛ چون نیروی انسانی شایسته اگر نباشد، تمدنی به وجود نخواهد آمد. شما جهادگرانی در میدان کارزار با جهل و بی‌سوادی هستید. ببینید! یک جوان را، یک کودک را، یک نوجوان را شما از وادی بی‌سوادی و ظلمات می‌آورید به وادی نور و علم، با جهاد؛ کار سختی هم هست. شما در واقع هویت‌سازی فرهنگ می‌کنید. هویت‌سازی خیلی مهم است؛ هویت‌سازی برای انسانها در یک جامعه خیلی مهم است؛ [انسانها باید] احساس هویت کنند. هویت انسان به فرهنگ او است، به دانسته‌های او است، به سبک زندگی او است. تمدن، متکی به فرهنگ است؛ اگر فرهنگ قوی و غنی وجود نداشته باشد، تمدن به معنای مصطلح و رایج خودش به وجود نمی‌آید. فرهنگ

چیست؟ مجموعه‌ی عناصر سازنده‌ی فکر و عمل انسان؛ این فرهنگ است. این از کجا ناشی میشود؟ فرهنگ به نوبه‌ی خود متکی است به فکر، اندیشه و جهان‌بینی؛ [یعنی] نوع تلقی انسان و مجموعه‌ی انسانی از جهان و عالم وجود و هستی و آفرینش و مانند اینها؛ این است که پایه‌ی اصلی فرهنگ است و پایه‌ی اصلی تمدن است.

عزیزان من! درست توجه کنید؛ مخصوصاً مسئولین عزیز و محترمی که تشریف دارند، توجه کنند. اینجا است که اهمیت سند ۲۰۳۰ معلوم میشود. لبّ کلام و جان کلام در این سند ۲۰۳۰ که فصل مهمی مربوط به آموزش و پرورش دارد، این است که نظام آموزشی باید سبک زندگی را و فلسفه‌ی حیات را بر اساس مبانی غربی به کودک بیاموزد؛ این آن لبّ کلام در سند ۲۰۳۰ است. یعنی چه؟ یعنی جنابعالی، انسان متدین و علاقه‌مند به کشورتان، علاقه‌مند به آینده‌تان، در کلاس درستان سرباز برای غرب درست کنید. (۲) این که روی سند ۲۰۳۰ این قدر اصرار دارند و کار میکنند، آشکار و غیر آشکار سعی میکنند این را تحکیم کنند بر مناسبات کشورها از جمله کشور ما، این معنایش این است؛ چون دستورات و توصیه‌ها و نکات اصلی موجود در این سند برای آموزش و پرورش این است که آموزش و پرورش باید جوری مناسبات فکری شاگردان را تنظیم کند که فلسفه‌ی زندگی‌شان، اساس زندگی‌شان، مفهوم حیات در نظرشان، طبق تفکر غربی باشد. همین که عرض کردم؛ شما اینجا بنشینید سرباز درست کنید برای انگلیس و فرانسه و آمریکا و بقیه‌ی این وحشی‌های کراوات‌زده‌ی ادکلن‌زده‌ی ظاهر ساز؛ همینهایی که آدم میکشند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند، به آدمکش کمک میکنند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند؛ میگویند آقا چرا شما به سعودی کمک میکنید؟ میگویند ما به پولش احتیاج داریم؛ میدانند که در یمن چه کار دارد میکند، در عین حال کمک میکنند. اینها بنشینند آنجا، ما برای اینها در ایران و در کشورهای آسیا و غرب آسیا و کشورهای اسلامی و مانند اینها، سرباز و پشتیبان و رعیت تربیت کنیم؛ [سند] ۲۰۳۰ این است.

خب، یک نکته‌ای که حتماً باید مورد توجه باشد این است که جامعه‌ی فرهنگیان - یعنی معلمان و کارمندان فرهنگی - در این چهل سال دوران انقلاب کارهای بزرگی انجام دادند، کارهای ثمربخشی انجام دادند. درست توجه بفرمایید؛ یک عده‌ای میخواهند آموزش و پرورش را به دلایل گوناگون سیاسی بی‌قدر و قیمت کنند؛ این بی‌انصافی است، این خلاف واقع است. من البته نواقص موجود آموزش و پرورش را میدانم، بنده فاصله‌ی آموزش و پرورش کنونی را با نقطه‌ی مطلوب میدانم، اما فاصله‌ی آموزش و پرورش موجود با آن وضع اسفباری که قبل از انقلاب داشت، را هم میدانم. آموزش و پرورش در دوره‌ی انقلاب - در این چهل سال انقلاب - کارهای بزرگی انجام داده. همین دانشمندان گوناگونی که کشور شما را از لحاظ فتاوری نانو جزو پنج کشور اول دنیا قرار دادند، در آموزش و پرورش تربیت شدند؛ همین نسل سوّم و چهارم انقلاب که نه امام را دیده، نه دوران دفاع مقدّس را دیده، نه شهدای نامدار دوره‌ی هشت‌ساله را دیده، امروز محکم و استوار در مقابل دشمن می‌ایستند، اصرار میکنند که برود از حرم دفاع بکند و میرود دفاع میکند، یکی شهید میشود، ده نفر هم شهید نمیشوند و برمیگردند. این انگیزه‌ی مجاهدت کردن چیز کمی نیست، اینها را چه کسی تربیت کرده؟ آموزش و پرورش تربیت کرده؛ آن هم در این دنیا. [اینکه] در دنیای اینترنت، در دنیای مفساد گوناگون اخلاقی، در دنیای ماهواره، این جور جوان تربیت کنید، این خیلی هنر است. این اردوهای جهادی را چه کسی تهیه میکند؟ چه کسی میرود اردوهای جهادی؟ این جوانها میروند؛ اینها را آموزش و پرورش تربیت کرده. این همه کار بزرگ علمی در این کشور انجام گرفته، این همه مظاهر و نشانه‌های حقیقی دین‌داری در جامعه وجود دارد - که بنده بارها گفته‌ام، جوان امروز با قرآن و با دعای ندبه و با ماه رمضان و با گریه و با توسّل و با تضرّع و با پیاده‌روی به کربلا و با اینها زندگی میکند - این حرفها کجا بود، کی بود؟ این همه شهید دانش‌آموز ما داریم، چندین هزار شهید دانش‌آموز ما داریم، چه تعداد زیادی شهید معلّم داریم، این دانش‌آموزهای شهید را چه کسی تربیت کرده؟ همین معلّمین، همین آموزش و پرورش. دست‌کم نگیرید آموزش و پرورش دوره‌ی انقلاب را؛ در دوره‌های مختلف خیلی کار کردند.

البته نواقص هست، بنده عرض کردم، نواقص زیاد است، معایب هست، تلاش هم میکنیم و به حول و قوه‌ی الهی و به تفضّل الهی این نواقص و معایب را برطرف هم خواهیم کرد؛ یعنی ان شاءالله به آن نقطه‌ی آموزش و پرورش میرسیم؛ یعنی این ملت میرسد؛ «میرسیم»، نه اینکه امثال حقیر و مانند اینها که کارهای نیستیم [میرسانیم]؛ یعنی این ملت، این مجموعه، این نظام، آموزش و پرورشش را به آن سطح مناسب میرساند.

خب ببینید، آن وضع مطلوبی که ما می‌خواهیم این است: آموزش و پرورش باید بتواند انسانهایی تربیت کند دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛ انسانهای این جور تربیت کند. این [طور] اگر شد، این کشور به همانی که بنده آرزو کردم و گفتم و وعده دادم و ان شاءالله خواهد شد، خواهد رسید؛ یعنی ما تا چند دهه بعد - آن روز من گفتم تا پنجاه سال که حالا چند سالش گذشته - مثلاً تا پنجاه سال دیگر [به جایی میرسیم که] هر کسی در دنیا بخواند مرزهای جدید علم را به دست بیاورد، مجبور باشد فارسی یاد بگیرد. تربیت یک چنین انسانهایی، یک چنین جوانهایی، پایه‌ی اصلی ایران سربلند فردا است، پایه‌ی اصلی تمدن نوین اسلامی است.

خب من چند تذکر بدهم؛ تذکر اول راجع به سند تحوّل است که آقای وزیر محترم گزارشی دادند، گزارش مکتوب هم به ما رسید و دیدیم. عزیزان من! سند تحوّل، یک ریل‌گذاری است؛ سند تحوّل میتواند آموزش و پرورش را به آن سرمنزل مورد نظر برساند؛ ما باید کاری کنیم که این اتفاق بیفتد. خب گفتند ابلاغ کردیم، درست هم هست ابلاغ شده لکن ابلاغ کافی نیست، ابلاغ قدم اول است؛ باید کاری کنیم که این سند محقق بشود. من پارسال گفتم (۳) جوری عمل کنید که بدنه‌ی آموزش و پرورش این سند را بخواند، بشناسد، بنیوشد، بفهمند که چه کار بنا است در آموزش و پرورش انجام بگیرد؛ سند، سند بسیار خوبی است؛ این دنبالگیری میخواهد، کار میخواهد. اولین چیزی که لازم است و نیاز اصلی این حرکت است، روحیه‌ی انقلابی است. خداوند نخواهد گذشت از آن کسانی که با قلمشان، با بیانشان سعی میکنند روحیه‌ی انقلابی را در بین مردم ما و جوانهای ما تضعیف کنند؛ خدا از اینها نمیگذرد. این انقلاب به وسیله‌ی جانهای مردم همین کشور تحقق پیدا کرد؛ این انقلاب بود که توانست کشور را از زیر سلطه و بار حکومتی که به وسیله‌ی بیگانگان در این کشور بر سر کار آمده بود و برای بیگانگان کار میکرد، خارج کند. عزیزان من؛ حکومت پهلوی‌ای که به وسیله‌ی انقلاب برافتاد، دو پادشاه داشت: رضا و محمد رضا؛ رضا را انگلیس‌ها سر کار آوردند، محمد رضا را هم انگلیس‌ها و آمریکایی‌ها. خب شما ببینید این حکومتی که به وسیله‌ی دستهای بیگانه سر کار بیاید، برای مردم خودش چه نسبتی خواهد داشت، برای آن بیگانه چه نسبتی خواهد داشت. رضای پهلوی - رضاخان - به وسیله‌ی انگلیس‌ها آمد سر کار، بعد در دوران شروع جنگ به خاطر هیاهوهایی که هیتلر میکرد و مانند اینها، [چون] طبیعتش، طبیعت هیتلری بود، یک مقداری علاقه‌مند به طرف آلمانها شد و گرایش به آلمانها پیدا کرد؛ معمار آلمانی بیاید، مهندس آلمانی بیاید؛ اینها انگلیس‌ها را عصبانی کرد؛ آنها خودشان او را سر کار آورده بودند، خودشان [هم] به او گفتند برو؛ و رفت. خب برای یک کشور، برای یک ملت بیش از این سرافکنده‌گی که در رأس کشور یک کسی باشد که حکومت انگلیس او را بیاورد سر کار، بعد که نپسندید و بر خلاف میلش شد، بگوید برو؛ او هم مجبور باشد برود! خیلی خب انگلیس‌ها پیغام دادند که باید تو بروی! تو اگر مردی، اگر انسانی، اگر غیرتی در وجود تو هست، اگر یک جو غیرت داری، بگو نمیروم؛ بگذار تو را بکشند؛ نخیر، بلند شد رفت خانه‌ی محمدعلی فروغی که ذلال و عامل انگلیس‌ها بود و واسطه بود، گفت که بله، بنده آماده هستم بروم؛ ماشین در اختیارش گذاشتند، رفت اصفهان و از طریق راه‌های مختلف رفت تا دم دریا و سوار کشتی‌اش کردند و بردند. برای یک ملت، ننگ از این بالاتر؟ انقلاب آمد این حکومت را سرنگون کرد، انقلاب آمد کشور را از زیر پای این انسانهای حقیر و پست و ظالم بیرون کشید. روحیه‌ی انقلابی جان این ملت است، روح این ملت است. آن وقت آن قلمی که این روحیه را در مردم تضعیف کند و تشکیک کند در انقلاب، این را خدا خواهد بخشید؟

برای تحوّل آموزش و پرورش روحیه‌ی انقلابی لازم است. روحیه‌ی انقلابی یعنی ترس نداشته باشید، ملاحظه‌کاری نداشته باشید، محافظه‌کاری نداشته باشید؛ وقتی تشخیص دادید، عمل کنید، اقدام کنید؛ پیش بروید، به توقف راضی نشوید؛ کارها را تزیینی انجام ندهید. گاهی انسان یک کاری انجام میدهد، حالت تزیینی و تشریفاتی دارد؛ اینها سمّ است؛ نخیر، کار را جدّی انجام بدهید؛ اینها تحوّل را عملی میکند، ممکن میکند، تحقق پیدا میکند. البته معنای اینکه من میگویم توقف نکنید، بروید، حرکت کنید، اقدام کنید، این نیست که اگر نقد عالمانه‌ای به شما شد، گوش نکنید؛ نخیر؛ یکی از حرکت‌های انقلابی هم همین است؛ نقد عالمانه را به گوش بگیرید، قدر بدانید، از ناقد و نقاد استقبال کنید. این یک نکته‌ی اوّلی که عرض کردم.

نکته‌ی دوّم؛ در آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قلب آموزش و پرورش است، این قلب را گرمی بدارید، اهمّیت بدهید و حفظ کنید؛ برنامه‌ریزی آموزشی خیلی چیز مهمّی است. متون آموزشی‌ای که در این مرکز، در این سازمان تولید میشود، باید با شیوه‌نامه‌ی همین تحوّل منطبق باشد؛ این کار لازمی است؛ البته شنیده‌ام که مشغول شده‌اند؛ گزارش گرفته‌ام، این کار را دارند میکنند منتها باید با سرعت و جدّیت انجام بگیرد. دوازده سال زمان معین شده آن طور که به من گزارش کردند؛ نه! دوازده سال قابل قبول نیست. متون آموزشی دوازده سال دیگر با سند تحوّل تطبیق پیدا کند؟ نه! امروز روزی است که «ساعتها» در پیشرفت جوامع نقش دارند، ساعت! دوازده سال؟ نه! زمان معین کنید، زمان کوتاه؛ تلاش را، جدّیت را بیشتر کنید.

آن وقت این متون بایستی جوان را همان جور که عرض کردم بار بیاورد. یکی از چیزهایی که در این متون باید حتماً مورد توجه قرار بگیرد این است که پیام‌های انقلاب و معارف انقلاب در این متون باید گنجانده بشود. معارف انقلاب فقط در کتاب معارف دینی و مانند اینها نیست، یا در کتاب مثلاً ادبیّات و امثال اینها؛ در همه‌ی متون میشود به مناسبت‌هایی معارف انقلاب را، اشاره‌های انقلاب را، درس‌های انقلاب را گنجانند. بنده مکرّر گفته‌ام؛ گاهی یک معلّم ریاضی، یک معلّم فیزیک، سر کلاس یک کلمه ممکن است بگوید که از یک ساعت سخنرانی این حقیر تأثیرش در آن دانش‌آموز بیشتر باشد، این جوری است؛ معارف انقلاب گنجانده بشود؛ این هم یک موضوع. بنابراین مسئله‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را جدّی بگیرید، به آن اهمّیت بدهید، آنجا را غنی کنید از لحاظ انسانهای دانا و آگاه و خوش فکر و متدین و انقلابی.

یک مسئله، مسئله‌ی دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی است که آقای وزیر اشاره کردند؛ بله، بنده هم اطلاع دارم که کمّیّت‌ها بالا رفته؛ باید هم بالا برود، هنوز هم کم است، هنوز هم آموزش و پرورش در معرض بازنشستگی وسیعی است و باید جبران بشود؛ هم کمّیّت‌ها را باز هم باید زیاد کرد، هم کیفیت‌ها را باید بالا برد، هم نوع کاری که در این دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی انجام میگیرد بایستی موجب تربیت دینی و انقلابی معلّمین باشد. کاری کنید که مدرسه و کلاس، از معلّمی بهره‌مند بشود که خود این معلّم به معنای واقعی کلمه معلّم دین و تقوا و پارسایی و انقلاب باشد. فشار این و آن را هم قبول نکنید؛ شنیده‌ام که گاهی اوقات اعمال فشار میشود از طرف مراکز گوناگون قدرت. زیر فشار [قرار نگیرید]، مرّ قانون را رعایت کنید، بر طبق قانون حرکت کنید.

در همین رابطه، مدارس استعداد‌های درخشان است که خیلی مهم است، نخبه‌پروری خیلی مهم است، مدارس استعداد‌های درخشان نبایست تضعیف بشود، هر چه میتوانید اینها را تقویت کنید و جایگاه کشور در المپیادهای جهانی بایستی حفظ بشود. البته من شنیده‌ام در چند رشته تنزّل پیدا کرده‌ایم؛ در ریاضی، در فیزیک، در رایانه، در شیمی، رتبه‌های ما پایین آمده. باید اینها جبران بشود. یکی از افتخارات کشور، همین بچّه‌های المپیادی هستند که میروند رتبه‌های بالا را در دنیا کسب میکنند و می‌آیند؛ نگذارید رتبه‌ی اینها تنزّل پیدا کند.

یک موضوع دیگر و نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی نشاط و سرزنده بودن در محیط دانش‌آموزی است. بنده این حرف را زیاد تکرار کرده‌ام - چه برای دانشجویها، چه برای عموم جوانهای کشور، چه برای دانش‌آموزها - که بایستی محیطشان محیط نشاط باشد. این را خیلی‌ها بد می‌فهمند. خیال میکنند وقتی می‌گوییم «نشاط»، یعنی باید آنجا بزن و بکوب و رقاصی و [امثال اینها باشد]! نشاط این نیست؛ نشاط یعنی جوان سرزنده باشد، پژمرده نشود؛ با ورزش، با فوق‌برنامه‌های آموزنده و جذاب، با این چیزها، نه با آن کارهایی که شنیده‌ام در بعضی از مدارس میشود، البته اینها را باید شماها مراقبت کنید، دنبال نکنید؛ یعنی مسئولیت مستقیمش به عهده‌ی خود آموزش و پرورش است. شنیده‌ام بعضی از مدارس از این جهت وضع خوبی ندارند؛ به اسم «نشاط» [کارهایی میکنند]. «نشاط» این است که شما کاری کنید که این جوان، سرحال، سرزنده، باامید، بانگیزه، آماده‌ی به کار، پُرانرژی مشغول کار بشود، درس بخواند.

گاهی اوقات فشارهای درسی، ضدّ نشاط است؛ در بعضی از مدارس، آن قدر روی این نوجوان و جوان فشار درسی می‌آورند که آدم می‌بیند این پژمرده شد، افسرده شد. حالا البته نیتشان ان شاء الله خیر است اما بعضی‌ها می‌گویند اینها برای این است که [آن] آموزشگاه در کنکور اسم پیدا کند؛ [یعنی] به فکر این جوان نیستند، به فکر آموزشگاهند تا بگویند ما فلان قدر در کنکور مثلاً فرض کنید که قبولی داشتیم یا نمره‌ی زیر ۱۰۰ داشتیم و از این قبیل؛ فشار می‌آورند روی جوان و نوجوان، برای نام خودشان. به نظرم باید بنشینید روی اینها فکر کنید؛ همه‌ی اینها چیزهایی است که احتیاج دارد به کار کردن، فکر کردن و بعد دنبال کردن. این هم یک نکته که حائز اهمیت است.

مسئله‌ی کنکور را من مطرح کردم. برای کنکور هم یک فکری بکنید. من البته هیچ اظهارنظری نمی‌کنم، یعنی من واقعاً کارشناس این قضیه نیستم لکن کارشناس‌های آموزش و پرورش بنشینند فکر کنند و ببینند واقعاً حالا که دانشگاه‌های ما می‌گویند: «ما صندلی خالی داریم» - هر سال اعلام میشود کلاس‌های دانشگاه‌ها، صندلی خالی دارند - بودن این کنکور، نبودنش، به همین شکل بودنش، تغییر پیدا کردنش [کدام بهتر است]. بالاخره بنشینید یک فکر صحیح، عمیق و عملی کنید، بعد هم دنبالش اقدام کنید، این قضیه را حل کنید.

یک مسئله‌ی خیلی مهم، مسئله‌ی معاونت پرورشی است که بنده در همین جلسه در سالهای گذشته بارها روی مسئله‌ی معاونت پرورشی تکیه کردم. یک سیاست نانوشته - و بعضاً نوشته‌ای - وجود داشت برای حذف معاونت پرورشی. خب در سالهای اخیر نه، الحمدلله کارهایی شده است، معاونت پرورشی باز وجود دارد، منتها این مقداری که تا الان تحقق پیدا کرده به نظر بنده کافی نیست. معاونت پرورشی نقصه‌هایی دارد، هم در ساختار اداری، هم در نیروی انسانی پُرانگیزه و انقلابی، هم در منابع مالی؛ اینها را ان شاء الله جناب آقای بطحایی وزیر محترم دنبال کنند تا معاونت پرورشی به معنای واقعی کلمه در سراسر آموزش و پرورش تحقق پیدا کند.

دو نکته را عرض بکنم و بعد هم یک مطلب کلی عرض بکنم. یکی از آن دو نکته راجع به مسئله‌ی معیشت معلمان است که در صحبت‌های وزیر محترم هم بود. معلم محترم، شریف و آبرودار است؛ باید عزّت نفس معلم محفوظ بماند. نوع رفتار با مسئله‌ی درآمدهای مالی معلمان باید جوری باشد که عزّت نفس معلم مورد تعرض قرار نگیرد. افرادی که در مسائل گوناگون جناحی، سیاسی، گاهی [همراه با] دستهای احياناً بیگانه حرکت میکنند و فکر میکنند، در صددند از این نقطه‌ی ضعف استفاده کنند برای مقاصد خودشان؛ آن یک مسئله است، اما قطع نظر از آن هم که حساب بکنیم، باید جوری عمل کنید که عزّت نفس معلم محفوظ بماند.

نکته‌ی دوّم راجع به دانش‌آموزان سیل‌زده است؛ نگذارید از لحاظ تحصیلی عقب بمانند؛ هم تعمیر مدارس و ساخت

مدارس - که ان شاء الله وعده‌اش هم داده شد و باید ان شاء الله در روال طبیعی خود با جدیت دنبال بشود و خیرین مدرسه‌ساز که انصافاً یک جریان بسیار خوب و مفیدی در کشور هستند، اینها کمک کنند که این کار انجام بگیرد؛ مدارس زیادی ویران شده، ساختن اینها و مجدداً آباد کردن اینها تلاش زیادی لازم دارد، منابع مالی زیادی هم لازم دارد، این کار به کمک دولت و مردم و خیرین انجام بگیرد - و هم تا وقتی که این کار انجام نگرفته است، همین دانش‌آموزانی که هستند، چه در مراکز اقامتشان یا اردوگاه‌هایشان، هر کجا که هستند، جوری باشد که از تحصیل عقب نمانند؛ مسئله‌ی تحصیل خیلی مهم است.

مطلب کئی‌ای که عرض کردم می‌خواهم عرض بکنم این است که دستگاه‌های علم و آموزش و تحقیق در کشور - که الحمدلله زیادند؛ امروز ما در کشور دستگاه‌های تحقیق و پژوهش و علم و مانند اینها زیاد داریم - افتخار کنند که توانسته‌اند وسوسه‌ی دروغین معارضه‌ی علم و دین را باطل کنند؛ این وسوسه‌ای است که قدرتمندان مادی دنیا از دو سه قرن قبل روی این کار کردند که اثبات کنند علم و دین با هم نمی‌سازند؛ امروز در جمهوری اسلامی پرچم دین از همه جا برافراشته‌تر است، از لحاظ علمی هم کشور، یکی از کشورهای پیشرو از لحاظ علمی است. کشورهای سکولار، کشورهای تحت امر آمریکا، کشورهایی که سیاستشان تابع سیاستهای غربی آمریکایی است، نه فقط از دین عقب مانده‌اند، از علم هم عقب مانده‌اند. شنیده‌ام یک روزنامه‌نگار عرب خطاب به همان حکام خودشان نوشته بوده است که «فرق شما و ایران این است که ایران رآکتور می‌سازد، شما کاباره می‌سازید؛ آنها غنی‌سازی هسته‌ای میکنند، شما شراب توزیع میکنید، مفاسد غربی را در جامعه‌تان ترویج میکنید»؛ این افتخار بزرگ کشور ما است.

امروز هزاران دانشمند محقق و متفکر - چه در دانشگاه‌ها، چه در مراکز علمی دیگر - مشغول تعلیم و تدریس و کارند؛ بنده از روی اطلاع عرض میکنم؛ غالباً هم جوان، غالباً هم متدین، خیلی‌شان [هم] بسیار متعبد؛ با هویت دینی و اسلامی، با هویت ایرانی سربلند، در حوزه‌های گوناگون با انگیزه‌ی بالا دارند کار میکنند؛ نوآوری میکنند، آموزش میدهند، تحقیق میکنند؛ هم تولید علم میکنند، هم بر اساس آن علم، در بخشهای مختلف، فناوری به وجود می‌آورند. البته چون عقب‌افتادگی ما زیاد بوده، این حرکتی که امروز در کشور وجود دارد، باید سالها ادامه پیدا کند؛ حرکت خیلی خوب و پرتلاشی است منتها باید ادامه پیدا کند تا اینکه ان شاء الله نتایجش کاملاً دیده بشود؛ پس این یک مسئله است.

یک مسئله هم، مسئله‌ی مهارت‌آموزی است که من قبلاً هم روی این تکیه کرده‌ام؛ یعنی یافته‌های علمی را در عمل پیاده کردن و تحقق دادن و این را به دانش‌آموز و جوان و دانشجو یاد دادن؛ که البته مرکز اصلی‌اش آموزش و پرورش است، یعنی از دبیرستان باید شروع بشود، از مدرسه باید شروع بشود. اگر روح مهارت‌یابی در جوان زنده شد، یعنی یاد گرفت که یافته‌ی علمی را بتواند تحقق عملی ببخشد، آن وقت این خیلی برکات در آینده خواهد داشت.

من آخرین مطلبی که می‌خواهم به شما عزیزان عرض بکنم، این است که توجه بکنید، امروز دشمن ما از همه‌ی اطراف مشغول تهاجم است؛ از لحاظ اقتصادی که می‌بینید؛ از لحاظ اطلاعاتی، مشغول برنامه‌ریزی‌اند که نفوذ اطلاعاتی کنند؛ از لحاظ فضای مجازی، دارند برنامه‌ریزی میکنند برای اینکه از این طریق به کشور ضربه بزنند. دشمن است دیگر! دشمن در درجه‌ی اول یعنی آمریکا و صهیونیسم؛ مخصوص این حکومت فعلی آمریکا هم نیست، قبلی‌ها هم همین جور بودند، منتها با شکلهای مختلف. کمکی که این شخصی که حالا سر کار است به ما کرده - که باید ممنون باشیم - این است که آمریکا را عریان نشان میدهد. قبلی‌ها آن طور که من گفته بودم، دست چدنی را داخل دستکش مخملی میکردند. خیلی‌ها نمیدیدند، اشتباه میکردند؛ [اما] این بی‌عقلها چدن را کشیدند بیرون، دارند به همه نشان میدهند. حرکتشان، حرکت آشکار است. از همه طرف دشمن وارد شده. مسئولین کشور و آحاد توانا و آحاد مردم باید در مقابله‌ی با این دشمن هر کاری که میتوانند [انجام دهند]. در هر بخشی، در هر رشته‌ای که

میتوانند، بایستی خودشان را آماده کنند، وارد میدان باشند. احساس مسئولیت کنند. آرایش دشمن آرایش جنگی است؛ از لحاظ اقتصادی آرایش جنگی گرفته؛ از لحاظ سیاسی آرایش جنگی گرفته؛ فقط از لحاظ نظامی علی‌الظاهر آرایش جنگی ندارد که آن هم البته حواس نظامی‌های ما جمع است؛ همان طور که عرض کردم از لحاظ فضای مجازی آرایش جنگی گرفته؛ در مقابل این دشمنی که آرایش جنگی در مقابل ملت ایران گرفته، ملت ایران بایستی آرایش مناسب بگیرد، باید خودش را آماده کند در همه‌ی بخشهای مختلف.

و یکی از اساسی‌ترین کارها حفظ اتحاد و وحدت کلمه است. آحاد ملت مراقب باشند به خاطر اختلاف نظرهای کوچک و اختلاف سلیقه‌های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند. بدانند که قدرت این ملت در اتحاد است؛ اتحاد آحاد مردم، اتحاد گروه‌های اجتماعی گوناگون، اتحاد اقوام مختلفی که در کشور زندگی میکنند، اتحاد مسئولین کشور با مردم، مردم با مسئولین کشور؛ این است که به این کشور اقتدار میبخشد و تا حالا اقتدار بخشیده و بحمدالله این اقتدار هست؛ این [اقتدار] را حفظ کنند. و بدانند به توفیق الهی این توطئه‌هایی که دشمن دارد انجام میدهد، همه‌ی این تدبیرهایی که علیه ملت ایران دارند انجام میدهند، با وجود تبلیغات وسیعی که برای مشوب (۴) کردن ذهنها و مخلوط کردن صحنه دارند، به ضرر خود او تمام خواهد شد.

شما جوانهای عزیز به توفیق الهی شکست آمریکا را خواهید دید؛ به توفیق الهی به زانو درآمدن صهیونیسم را خواهید دید؛ به توفیق الهی عظمت و عزت نهایی ملت ایران را مشاهده خواهید کرد. رحمت خدا بر امام بزرگوارمان، رحمت خدا بر شهدای عزیزمان، رحمت خدا بر همه‌ی مجاهدان راه حق.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آقای سیدمحمد بطحایی (وزیر آموزش و پرورش) مطالبی بیان کرد.
(۲) معظم‌له در پاسخ به شعار حضار فرمودند: «اینجا جای گوش کردن است، جای شعار دادن نیست؛ درست توجه کنید.»

(۳) بیانات در دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۷/۲/۱۹)

(۴) پربشان کردن، مشتبه کردن